

ضعفها و قوت‌های مبارزه‌ی کارگران

در این قسمت از سلسله یادداشت‌ها درباره‌ی مبارزه‌ی کارگران گروه ملی فولاد به ضعف‌ها و قوت‌های مبارزه‌ی آنان پرداخته‌ایم و برای این منظور از یادداشت قبلی و کانال‌های تلگرام منتسب به کارگران گروه ملی فولاد استفاده کرده‌ایم. در یادداشت سوم از این سلسله یادداشت‌ها، از آنچه در این یادداشت گفته شده است استفاده خواهیم کرد تا به آموزه‌هایی بپردازیم که از مبارزه‌ی کارگران گروه ملی فولاد می‌توان گرفت.

قوت‌ها

در گزارشی که از مبارزات کارگران گروه ملی فولاد عرضه کردیم، می‌توان دستاوردها و نقاط قوت مبارزه‌ی آنان را به شرح زیر مشاهده کرد.

۱. از اسفند ۱۴۰۰، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل خواسته‌ی اصلی کارگران بود و آنان با ایستادگی بر این خواسته توانستند، با وجود تحمل سختی‌ها و سرکوب‌های مدیریت شرکت، به تدریج به آن دست یابند. چندوچون اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل بر ما معلوم نیست، اما می‌دانیم که در سال ۱۴۰۳ تا کنون اعتراضی برای اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل صورت نگرفته است و این در حالی است که در نیمه‌ی دوم سال ۱۴۰۲ کارگران اعتراضات فراوانی برای اجرای این طرح ترتیب دادند. با این اوصاف و با توجه به اینکه در سه کانال تلگرام منتسب به کارگران گروه ملی فولاد (که هر یک بازتاب‌دهنده‌ی صدای بخشی از کارگران اند) دیگر صحبتی از اعتراض کارگران به اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل نیست، به احتمال قوی طرح طبقه‌بندی مشاغل طوری اجرا شده که موجب رضایت نسبی کارگران شده است.^۱

۲. کارگران در بیشتر اعتراضات خود از کارگران ممنوع‌الورود و اخراجی غافل نبودند و بخشی از خواسته‌های آنها رفع ممنوع‌الورودی کارگران و بازگشت به کار همکارانشان بود، هرچند خود این خواسته همواره تحت‌الشعاع اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل قرار می‌گرفت.

^۱. کانال تلگرام Kargarangorohmelifolad (زین پس با نام کانال «کارگران گروه ملی فولاد»):

https://t.me/joinchat/AAAAAEs-wUf_ZdXwvn2VIA

کانال تلگرام «صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد»:

<https://t.me/sedayemostaghelfolad>

کانال تلگرام «اطلاع‌رسانی نماینده کارگران گروه ملی فولاد»:

<https://t.me/GorohMeliFolad>

۳. در طول اعتراضات، مدیریت شرکت سعی می‌کرد کارگران را ترغیب کند تا شورای اسلامی کار تشکیل دهند، اما کارگران با ایجاد شورای اسلامی کار مخالفت و انتخابات آن را تحریم کردند و البته در این کار پیروز هم شدند. کارگران متوجه بودند که شورای اسلامی کار برای کارگران ناکارآمد است.

۴. کارگران در طول اعتراضاتشان از همراهی خانواده‌هایشان نیز بهره بردند و بدین ترتیب تنور اعتراضات را گرم‌تر کردند. همراهی خانواده‌ها در اعتراضات ترفند خوب و درس‌آموزی بود و موجب فشار بیشتر بر کارفرما شد، هرچند این همراهی تداوم نداشت و اگر تداوم می‌داشت می‌توانست اتحاد میان کارگران را افزایش دهد و قدرت اعتصاب را دوچندان کند.

۵. کارگران از راه‌های قانونی برای بازگشت به کار کارگران اخراجی استفاده کردند و علاوه بر آن، در برهه‌ای با اعتراضاتشان خود بر کارفرما فشار آوردند تا کارگران اخراجی به کار بازگردند. تلفیق این دو نتیجه‌بخش بود و موجب شد در برهه‌ای کارگران اخراجی بر سر کار بازگردند. آشنایی با قوانین موجب می‌شود کارگران بتوانند در هر واقعه‌ای مناسب‌ترین تاکتیک را انتخاب کنند و بیشترین نتیجه‌ی ممکن را از آن کسب کنند.

۶. کارگران در اعتصاب‌های بزرگ خود درهای ورود و خروج را مسدود کردند و از سرقت ابزار کار و محصولات شرکت به دست عوامل کارفرما جلوگیری کردند.

ضعف‌ها

مبارزه‌ی کارگران، فارغ از دستاوردها و نقاط قوت، نقص‌ها و ضعف‌هایی هم داشت. طبعاً تمرکز ما بیشتر بر همین ضعف‌هاست، زیرا امیدواریم کارگران در اعتراضات آتی برای کسب دستاوردهای بیشتر بتوانند این ضعف‌ها را برطرف کنند و گامی به پیش برای ایجاد اتحاد گسترش‌یابنده‌ی خود بردارند.

۱. مدیریت شرکت در ابتدای هر اعتراض یا حتی پیش از نطفه بستن اعتراض کارت عده‌ای از کارگران را می‌بست و بدین ترتیب کارگران را ممنوع‌الورود می‌کرد و دست به اخراج چند کارگر دیگر می‌زد. این حربه‌ی مدیریت تکراری بود. می‌توان حدس زد که این کارگران طلایه‌داران اعتصاب و تجمع در گروه ملی بودند. اما کارگران اقدام مناسبی نمی‌کردند تا مانع از این حربه‌ی تکراری شوند. هر بار کارفرما وعده‌ی اجرای طرح طبقه‌بندی را می‌داد یا بخشی از آن را اجرا می‌کرد کارگران به اعتصاب پایان می‌دادند و برای رفع ممنوع‌الورودی و بازگشت به کار همکارانشان، که یکی از خواسته‌هایشان بود، دیگر تلاش چندانی نمی‌کردند.

مثلاً، در ۲۷ و ۲۸ فروردین ۱۴۰۱، کارگران برای برآورده شدن خواسته‌هایشان تجمع می‌کنند، که اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و رفع ممنوع‌الورودی همکارانشان از جمله‌ی این خواسته‌ها بود، و در ۴ اردیبهشت نیز دوباره دست

به تجمع می‌زنند، اما نتیجه‌ی مشخصی حاصل نمی‌شود و تا اواخر تیر ۱۴۰۱ دیگر گزارشی از اعتراض کارگران نمی‌شود. در ۲۸ تیر ۱۴۰۱ که کارگران به کارفرما مهلت دادند خواسته‌هایشان برآورده شود، همچنان خبری از رفع ممنوع‌الورودی همکارانشان نیست. کارفرما دوباره عده‌ای را ممنوع‌الورود می‌کند. اما کارگران در اعتراض به این رفتار کارفرما و برآوردن خواسته‌های پیشین خود دوباره تجمع می‌کنند. در آخر اسفند ۱۴۰۲ عده‌ای تبعید و اخراج شدند و از ابتدای سال ۱۴۰۳ تا اکنون خود این کارگران تبعیدی و اخراجی برای بازگشت به کار و رفع تبعیدشان تجمع کردند و فقط در ۱۶ و ۱۷ مرداد، به گزارش کانال «کارگران گروه ملی فولاد»، در اعتراض به وضع موجود شرکت و در اعتراض به وضعیت همکاران اخراجی به مدت دو روز عده‌ای از کارگران دست به اعتصاب غذا زدند. اعتصاب، تجمع، و مراجعه به اداره‌ی کار و مسئولان استانی و کشوری مجموعه‌ی اقدامات و تاکتیک‌های کارگران برای بازگشت به کار و رفع ممنوع‌الورودی همکاران بوده است. این اقدامات فقط آن وقت مؤثر خواهد بود که مداومت داشته باشد، اما کارگران گروه ملی در اعتراض به اخراج و ممنوع‌الورودی مداومت به خرج ندادند. کارگران با اقدامات دیگری مانند تشکیل صندوق اعتصاب تحت نظارت جمعی از کارگران می‌توانستند به کارگران پیشرو، که در معرض اخراج و ممنوع‌الورودی و بازداشت‌اند، و خانواده‌ی آنها کمک کنند و بار فشار معیشتی را از دوش آنها بردارند یا آن را سبک‌تر کنند. مداومت در اعتراض و ایجاد سازوکارهایی برای مقاومت طولانی مانند صندوق اعتصاب موجب می‌شود که در جنگ میان کارگران و سرمایه‌داران تاب‌آوری ما کارگران افزایش پیدا کند و احتمال رسیدن به خواسته‌هایمان بسیار بیشتر شود. همچنین، برای اینکه کارگران پذیرش اعتراض طولانی را داشته باشند باید دائماً درباره‌ی شیوه‌های مبارزه آموزش ببینند و از تجربیات کارگران دیگر مطلع شوند. به نظر نمی‌رسد آموزش و انتقال تجربیات به طور وسیع و منسجمی در میان کارگران گروه ملی فولاد وجود داشته باشد، زیرا لازمه‌ی آن وجود تشکل مستقل کارگری است و کارگران گروه ملی فاقد آن‌اند.

۲. شکایت کارفرما از عده‌ای از کارگران به احکامی قضایی علیه کارگران انجامید، اما کارگران گروه ملی اعتراض هماهنگ و مداومی به این احکام نکردند و نتوانستند بر کارفرما برای پس گرفتن شکایتش فشار بیاورند. رأی دادگاه و حکم شلاق تعلیقی (به مدت سه سال) برای کارگران مثل زنجیری بود که به دست و پای آنها بسته بودند و احتمالاً موجب شد این کارگران، که شاید بیشترشان از رهبران اعتراض بودند، محافظه‌کار شوند. از میان هفده نفری که حکم قضایی برایشان صادر شد فقط نام یک نفر آنها در میان سی نفر تبعیدی و اخراجی در اسفند و فروردین ۱۴۰۳ بود. فشاری که کارفرما و دستگاه‌های حکومت بر کارگران از طریق احکام قضایی، اخراج، ممنوع‌الورودی و تبعید آوردند با واکنش مناسب کارگران مواجه نشد و این به کارفرما جرئت داد تا رهبران اعتراضات را بیشتر سرکوب کند. احکام قضایی و اخراج و ممنوع‌الورودی به تدریج رهبران اعتراض را به حاشیه می‌راند و پر کردن جای خالی رهبران اعتراض کار راحتی نیست و این نهایتاً به فروکش کردن روحیه‌ی اعتراضی در میان کارگران در بلندمدت می‌انجامد. اهمیتی که بدنه‌ی کارگران به این اقدامات کارفرما و حکومت می‌دهد متناسب است با واکنش او به آن اقدامات. رهبران اعتراض نیز بدون

اینکه اهمیت این موضوع را برای بدنه‌ی کارگران جا بیندازند دست به سازمان‌دهی اعتراض می‌زنند و این نشان می‌دهد که سازمان‌دهی اعتراضات چندان حساب‌شده نیست و رهبران اعتراض درباره‌ی عواقب تاکتیک‌های خود به‌درستی نیندیشده‌اند و راهکاری برای مواجهه با پیامدهای اعتراض در نظر نگرفته‌اند.

۳. کارگران در جریان اعتصاب تحت فرماندهی واحدی نبودند و صدای واحدی نداشتند. دست کم سه دیدگاه را می‌توان تشخیص داد. یک دیدگاه را در کانال تلگرام نماینده‌ی کارگران، بهنام نجفی، می‌توان دید. دیدگاه دوم را در کانال «کارگران گروه ملی فولاد» و دیدگاه سوم را در کانال «صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد» می‌توان مشاهده کرد.

محض نمونه، در اعتراضات ۲۱ و ۲۲ آبان ۱۴۰۲ پس از اینکه کارفرما علی‌الحساب چهارمیلیون تومان به حساب کارگران واریز کرد بخشی از کارگران در کانال «کارگران گروه ملی فولاد» اعلام کردند که آن را فقط قسمتی از حقشان از موضوع طبقه‌بندی می‌دانند و به تجمع خود تا برآورده شدن تمام خواسته‌هایشان ادامه خواهند داد. در همین کانال در ۲۱ آبان اعلام شد، «تا زمان برآورده شدن این مطالبات، تجمعات کارگری درون شرکت با حضور حداکثری پرسنلی ادامه خواهد یافت.» یا در ۲۲ آبان اعلام کردند، «به علی محمدی هشدار می‌دهیم که هر گونه کارت بستن یکی از همکاران جواب آن همانند زلزله و سونامی ویرانگر خواهد بود. همکاران گرامی تا رسیدن به مطالبات قانونی و صنفی خود ادامه خواهیم داد.» با وجودی که این کانال اعلام می‌کند که به تجمع و اعتراض ادامه خواهند داد، کارگران پس از ۲۲ آبان به سر کار خود بازگشتند و دو ماه به کارفرما مهلت دادند. به نظر می‌رسد این مهلت را در جلسه‌ی مشترک نماینده‌ی کارگران و کارفرما تعیین کرده‌اند. بنابراین، می‌بینیم که این کانال و دست‌اندرکاران آن توان هدایت و ایجاد اتحاد میان کارگران را نداشتند و در عمل نماینده‌ی کارگران، بهنام نجفی، بود که مسیر اعتراض را هدایت می‌کرد. در نوشته‌ی خود این کانال در ۲۴ آبان نیز می‌توان به این پی‌برد که این کانال و دست‌اندرکارانش رهبر اعتراضات نبودند و توان ایجاد اتحاد را نداشتند: «... تقریباً هیچ کدام از مطالبات قانونی تجمع نه تنها محقق نشد بلکه با پرداخت این مبلغ به انحراف کشیده شد و خواسته‌های اصلی زیر این اقدام گم شد و اکثر همکاران راه اصلی و مطالبات اصلی را گم کردند و همه چیز را به دو ماه دیگر موکول کردند، چرا؟!... در مرحله‌ی دوم بازگشت نیروهای همکار ما چه شفقی و چه قراردادی به محل کار و ارتزاق خانواده‌هایشان که به شکل ناجوانمردانه از کار اخراج شده‌اند ولی گویا ما هنوز به همیت [حَمیَّت] جمعی لازم نرسیدیم که پشتوانه‌ی هم‌دیگر باشیم و نباید فراموش کنیم که ما کارگران هیچ کس را به غیر از خودمان نداریم...» در کانال «صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد» نیز می‌بینیم که این کانال فرمانده اعتراضات نیست و نمی‌تواند اتحاد کارگران را فراهم آورد. در اعتصابات دی ۱۴۰۲ و در ۹ دی، آخرین روز اعتصاب، بخشی از خواسته‌های کارگران برآورده شد. کانال «صدای مستقل» در ۹ دی می‌نویسد، «با توجه به مذاکرات صورت‌گرفته در هشتمین روز از اعتصاب قدرتمند ما، نمایندگانی که به واسطه‌ی خرد جمعی و با پشتوانه‌ی قدرت اتحاد سه‌هزارنفره در جلسه شرکت کرده بودند، توانستیم تا کنون بخش مهمی از مطالبات اعتصاب را به شرح زیر به دست آوریم... با وجود

آنکه امروز و پس از جلسه با مقامات درهای ورودی شرکت موقتاً و برای تشکیل مجمع عمومی درباره‌ی ادامه‌ی اعتصاب باز شد، اما همچنان خطوط تولید راه اندازی نشده و اکنون کارگران مجدداً شرکت را ترک کرده و به پشت درهای کارخانه بازگشتند. دلیل این تصمیم، شکایت مدیرعامل از شمار زیادی از همکاران است و تا بازپس‌گیری این شکایت، ما همچنان به اعتصاب خود ادامه خواهیم داد.» خود این کانال اعلام کرد که کارگران در ۱۰ دی به سر کار بازگشتند و مهلت سه‌روزه‌ای برای بازپس‌گیری شکایت به کارفرما دادند: «بدیهی است چنانچه در این سه روز اقدام عملی در جهت پس گرفتن شکایت صورت نگیرد، بلافاصله اعتصاب خود را آغاز و تمامی خطوط تولید بخش‌ها را متوقف کرده و به خیابان بازمی‌گردیم.» اما خبری از بازپس‌گیری شکایت نشد. در دور بعدی اعتراضات در بهمن با توجه به خواسته‌های کارگران مشخص شد که کارفرما شکایت خود را پس نگرفته بود و کارگران هم طبق مهلت سه‌روزه‌ای که کانال «صدای مستقل» اعلام کرد اعتصاب نکردند. در واقع، بدنه‌ی کارگران با وعده‌های کانال «کارگران گروه ملی فولاد» و کانال «صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد» همراه نبود. وعده‌هایی که این دو کانال می‌دادند و تهدیدهایی که می‌کردند بعضاً بی‌پشتوانه و نسنجیده بود.

۴. همان طور که مشخص است، برای کارگران قراردادی اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل اولویت بود و فقط همین خواسته بود که بدنه‌ی کارگران را به حرکت وامی داشت. خواسته‌های دیگر کاملاً فرعی محسوب می‌شد. کانال «صدای مستقل» در ۱۰ بهمن ۱۴۰۲ می‌نویسد، «لیستی از مطالبات معوق موجود است که هر بار با تمام همکاران عهد می‌بندیم تا تحقق آنها اعتراض را ادامه دهیم. اما همواره گروهی از همکاران محافظه‌کار، با پذیرش حيله‌ها و ابهامات مدیریت و کارفرما، با درصدی از مطالبات اعلام رضایت می‌کنند و به کار و تولید بازمی‌گردند.» به نظر می‌رسد تعداد این «همکاران محافظه‌کار» آن قدر هست که موجب پایان اعتصاب و تجمع شود و رهبران و همکارانی که «محافظه‌کار» نیستند نتوانسته‌اند راهکاری برای این معضل بیابند.

می‌بینیم که تازه در دی ۱۴۰۲ موضوع قراردادی شدن کارگران شفق در اعتراضات مطرح شد، در صورتی که می‌دانیم چندین سال است که این کارگران پیمانی‌اند. میان کارگران شفق و کارگران قراردادی اتحاد کافی برقرار نبود و کارگران قراردادی برای قراردادی شدن شفق‌ها اعتصاب و تجمع خود را ادامه ندادند. این فاصله‌ای که میان این دو گروه عمده‌ی کارگران وجود داشت و وجود قراردادهای یک‌ماهه و سه‌ماهه‌ی شفق‌ها موجب شد که کارگران شفق با وجود اینکه بالغ بر هزار نفر بودند در اعتراضات حضور چشمگیر نداشته باشند و، از بیم اخراج شدن، اتحاد کافی با کارگران قراردادی نداشته باشند. علاوه بر این، در ۷ بهمن ۱۴۰۲ گزارشی از حضور شفق‌ها در اعتراضات می‌بینیم. در ۹ بهمن کارگران قراردادی به اعتصاب خود پایان می‌دهند اما کارگران شفق در ۱۰ بهمن برای تبدیل وضعیت خود به اعتصاب ادامه می‌دهند. کارگران قراردادی با هر وعده‌ی کارفرما درباره‌ی برآورده کردن بخشی از طرح طبقه‌بندی مشاغل دست از اعتراض برمی‌دارند و در اینجا می‌بینیم که کارگران قراردادی پشت کارگران شفق در نمی‌آیند. سخن

کارگر شفقی در ۸ بهمن ۱۴۰۲ که در کانال «صدای مستقل» بازتاب یافته است با واقعیت اعتراضات نیز همخوان است و نشان‌دهنده‌ی متحد نبودن کارگران است: «هنگامی که نماینده‌ی کارگران خبرهای مثبتی از جلسات و توافقات را مطرح می‌کند و هیچ‌گونه توجهی به ما، کارگران شفقی، نشده است، صدای او قلب‌های ما را می‌شکند. حتی زمانی که از نماینده‌ی کارگران در مورد تغییر وضعیت ما، کارگران شفقی، سؤال می‌شود، او پاسخ می‌دهد: "ما نماینده‌ی کارگران قراردادی هستیم و نماینده‌ی شما، کارگران شفقی، نیستیم."... حتی همکاران قراردادی خودمان، با وجود مشاهده‌ی زحمات ما در سایت‌های کارخانجات و دریافت حقوقی کمتر و بسیار ناچیزتر از حقوق کارگران قراردادی در حال حاضر، حتی یک حرف کوچک از ما نمی‌زنند و حمایت نمی‌کنند.» چنین وضعیتی کاملاً مطلوب کارفرماست و کارفرما تمام تلاش خود را می‌کند که میان کارگران چنددستگی ایجاد کند تا بتواند بی‌دغدغه همه‌ی آنها را سرکوب کند.

بهنام نجفی رسماً از آبان ۱۴۰۱ نماینده‌ی کارگران شده است و در کانال او به‌جز اشاره به طرح طبقه‌بندی مشاغل درباره‌ی خواسته‌های دیگر کارگران از جمله قراردادی شدن کارگران شفقی و رفع ممنوع‌الورودی و بازگشت به کار کارگران صحبتی نشده است. با توجه به سیر کنش‌ها و واکنش‌های کارگران می‌توان تا حد زیادی مطمئن بود که نماینده‌ی کارگران بدنه‌ی کارگران قراردادی را جهت‌دهی می‌کند. کل خواسته‌هایی که نماینده‌ی کارگران از آبان ۱۴۰۱ پیگیری می‌کرد و آن را در کانال اطلاع‌رسانی‌اش اعلام می‌کرد چنین بود: اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، همسان‌سازی حقوق و برداشتن آیت‌های فریزشده. بنابراین، فعالیت نماینده‌ی کارگران حول محور بازگشت به کار کارگران و رفع ممنوع‌الورودی‌ها و همچنین تبدیل وضعیت کارگران شفقی نبوده است.